

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه‌ای به شماره ۱۳۹۵۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست‌گذاری کنگره رسیده است.



**مجموعه مقالات
چهارمین کنگره بین المللی
علوم انسانی اسلامی**

کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی

سرشناسه	کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (چهارمین : ۱۳۹۶ : تهران)
عنوان و نام پدیدآور	International Conference on Islamic Humanities (4th : 2017 : Tehran)
در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی : حامیان برگزاری کنگره مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا ... [و دیگران]. :	مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی نویسندگان جمعی از نویسندگان مقاله ویراستار مرتضی طباطبایی.
مشخصات نشر	تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	ج ۱۰ :
شابک	دوره : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۶۸۹ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۰۲۱ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۱۹ : ج ۲ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۲۶ : ج ۳ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۳۳ : ج ۴ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۴۰ : ج ۵ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۵۷ : ج ۶ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۶۴ : ج ۷ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۷۱ : ج ۸ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۸۸ : ج ۹ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۹۵ : ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۸۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا :
یادداشت	کتابنامه .
مندرجات	ج ۱ : کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی - ج ۲ : کمیسیون تخصصی فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی - ج ۳ : کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی - ج ۴ : کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی - ج ۵ : کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی - ج ۶ : مقالات کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی - ج ۷ : مقالات کمیسیون تخصصی روان‌شناسی اسلامی - ج ۸ : مقالات کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی - ج ۹ : مقالات کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی - ج ۱۰ : مقالات کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی -
موضوع	علوم انسانی(اسلام) -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities (Islam) -- Congresses
موضوع	علوم انسانی -- کنگره‌ها
موضوع	Humanities -- Congresses
شناسه افزوده	مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
رده بندی کنگره	BP۲۲۲ :
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۸۵ :
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۴۰۳۹۸ :

مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

جلد یکم | کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا)

نویسندگان: جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

ویراستار: مرتضی طباطبایی

طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی

صفحه آرای: یوسف بهرخ

نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ دوره

شابک دوره: ۹-۶۸-۶۸۶۷-۷۸۶۴-۹۷۸

شابک: ۲-۷۰-۷۸۶۷-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشور دوست، کوچه نوشیروان،

پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

تلفکس: ۰۹۰۵۶۰۶۶۴

www.sccsr.ac.ir

پایگاه اینترنتی:

info@sccsr.ac.ir

رایانامه:

فهرست مطالب

کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی

۱۳

نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی
محسن فرمهینی فراهانی

۳۷

تبیین محتوای برنامه درسی مدرسه شاد بر اساس آموزه‌های اسلامی
نیکو دیالمه، مرضیه دهقانی، سکینه خوش صفت (نویسنده مسئول)

۶۹

تبیین و تحلیل رویکردهای بومی سازی برنامه درسی علوم انسانی دانشگاهی با
نگاه تعلیم و تربیت ایرانی- اسلامی
یداله اسفندیاری، سولماز نورآبادی

۹۱

چالش‌های فراروی تربیت اسلامی در مواجهه با فضای مجازی
اکبر رهنما

۱۰۷

نظریه عقل عاطفی در آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) و کارکردهای روان‌شناختی - تربیتی آن
علی نقی فقیهی

مقدمه

چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی با عنایات خدای بزرگ و تحت توجهات حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) دوم آبان‌ماه ۱۳۹۶ در مرکز همایش‌های بین‌المللی سازمان صداوسیما با حضور پرشکوه حوزویان و دانشگاهیان در قالب ده کمیسیون تخصصی با ارائه ۸۴ مقاله برگزار شد. مراسم اختتامیه کنگره نیز ۴ آبان‌ماه در قم و همزمان با اعطای سومین جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی برگزار گردید. سومین جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی به سه تن از صاحب‌نظران برجسته در این زمینه اعطاء شد. جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا در رشته فلسفه علوم اجتماعی اسلامی، دکتر حسن سبحانی در رشته اقتصاد اسلامی و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسروپناه در رشته فلسفه علوم انسانی اسلامی برگزیدگان این دوره از جایزه جهانی علوم انسانی اسلامی بودند.

کنگره چهارم مانند سه کنگره‌ی قبلی، علاوه بر تولید علم و رونق‌گفتمان علوم انسانی اسلامی و ایجاد یک اتمسفر علمی جدید در مراکز علمی کشور و وظیفه خود را در هموارسازی و جهت‌بخشی صحیح به مسیر تحقیق و پژوهش در عرصه علوم انسانی اسلامی جست‌وجو می‌کرد. تحلیل محتوای مقالات سه کنگره قبلی نشان می‌دهد که سهم اساتید حوزه‌ها و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و سهم مقالات نظریه‌پردازانه در کل کار رو به افزایش بوده و ارتباط کنگره با جامعه علمی نهادینه شده است؛ به نحوی که به تدریج به تبلیغات متعارف، کمتر وابسته است.

اما و در هر صورت باید باور کنیم که علوم انسانی متعارف از محصولات پر قدرت دوران جدید حیات غرب است که از سوی انسان عالم غربی جدید برای تبیین واقعیت انسان عامل غربی جدید تولید شده است. بنابراین جامعه‌شناسی و اقتصاد و سایر علوم انسانی گزارشی است از تحقق فلسفه زندگی غربی در عینیت و واقعیت زندگی انسان غربی. در حقیقت دستاوردهای علوم انسانی، تداوم اجتماعی فلسفه زندگی غربی را نمایان ساخته است.

فرصت را غنیمت می‌شمارم و بر یک نکته مهم تأکید می‌کنم که هم‌اکنون علوم انسانی متعارف به‌مثابه فلسفه، دین و ایدئولوژی ایفای نقش می‌کند. راه‌حل اساسی این مشکل تولید علوم انسانی

مبتنی بر مبانی و معارف قرآن کریم است اما با این همه درس‌های فراوانی برای آموختن ما از تجربه غرب وجود دارد. این درس‌ها زمانی برای ما مفیدند که ما نخواهیم همیشه شاگرد بمانیم؛ اما ما چگونه می‌توانیم برای رهیدن از محدودیت‌های علوم انسانی و استفاده از قابلیت‌های آن نقش ایفا کنیم؟ نظریات علوم انسانی بر مفروضاتی استوار است که می‌توانند از سوی مکاتب فلسفی مختلف توضیحات متفاوت پیدا کنند. فلسفه اسلامی به‌ویژه حکمت صدرایی به دلیل آنکه محتوای آن بر مدار صیوریت انسانی تدوین شده باید برای تحقق این منظور فراوری شود.

از سوی دیگر از آن‌رو که موضوع علوم انسانی تبیین واقعیت کنش انسانی است، فرضیات آن با صورت‌بندی دنیای درونی کنشگر شکل می‌گیرد. با این رویکرد علاوه بر فلسفه اسلامی علم اخلاق اسلامی از ظرفیت بالایی برای صورت‌بندی دنیای ذهنی کنشگر و همین‌طور برای نظریه‌پردازی در این حوزه علمی برخوردار است.

علوم انسانی مبتنی بر مبانی قرآنی و دانش‌های فلسفی و کلامی می‌توانند بستر و زمینه‌ی مناسبی را برای نظریه‌پردازی فقهی فراهم آورند بعلاوه علوم انسانی عرف و متعارف واقعیت زندگی اجتماعی را در اختیار تفقه واقع‌نگر و مسئول در برابر جامعه قرار خواهد داد. ضمن آنکه آثار و پیامدهای تحقق عملی احکام فقهی با روش‌های علوم انسانی و اجتماعی نمایان خواهند شد. آثار و نتایجی که ممکن است در صورت اطلاع از آن در ماهیت نظریات فقهی اثرگذار باشند. البته از آن‌سو که بخش عظیمی از نظام اعتباریات فرد و جامعه اسلامی را فقه و اخلاق اسلامی می‌سازند، مدل‌سازی کنش انسانی در جوامع اسلامی با مفروض‌انگاری آموزه‌های اخلاقی و فقهی برای آنان که فقط به دنبال علم بومی هستند نیز باید مورد توجه باشد. اما و در هر صورت تولید علوم انسانی مبتنی بر مبانی و معارف قرآن کریم و در ترابط با دانش‌های متعارف حوزوی راهی است که در این دوره حیات اسلام و انسان و با استفاده از فرصت بی‌نظیر نظام مقدس جمهوری اسلامی و برای کمک به آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

اینک و هم‌زمان با انتشار چهارمین جلد از کتاب نظریه، مجموعه مقالات کنگره چهارم که حاوی ۱۱۶ مقاله تأییدشده از بین ۳۷۲ مقاله دریافتی است، در قالب ۱۰ جلد با محوریت ده کمیسیون تخصصی به شرح ذیل در اختیار اساتید و پژوهشگران حوزه علوم انسانی قرار گرفته است:

(۱) تعلیم و تربیت اسلامی: ۵ مقاله با مدیریت دکتر محسن فرمهینی فراهانی و با محوریت دانشگاه شاهد؛

(۲) فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی: ۶ مقاله با مدیریت دکتر عطاءالله رفیعی‌آتانی

- و با محوریت مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا؛
- ۳) مدیریت اسلامی: ۸ مقاله با مدیریت دکتر غلامرضا گودرزی و با محوریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام)؛
- ۴) علوم سیاسی اسلامی: ۱۰ مقاله با مدیریت حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد نوروزی و با محوریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛
- ۵) اقتصاد اسلامی: ۱۲ مقاله با مدیریت دکتر محمدعلی متفکرآزاد و با محوریت دانشگاه تبریز؛
- ۶) تمدن نوین اسلامی: ۱۱ مقاله با مدیریت حجت‌الاسلام دکتر مهدی ابوطالبی و با محوریت دانشگاه شاهد و همکاری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛
- ۷) روان‌شناسی اسلامی: ۱۵ مقاله با مدیریت دکتر مهرداد کلاتری و با محوریت دانشگاه اصفهان و همکاری انجمن روان‌شناسی اسلامی؛
- ۸) هنر و معماری اسلامی: ۱۵ مقاله با مدیریت مهندس عبدالحمید نقره‌کار و با محوریت دانشگاه علم و صنعت؛
- ۹) فقه و حقوق اسلامی: ۱۸ مقاله با مدیریت دکتر محمود حکمت‌نیا و با محوریت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
- ۱۰) ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی: ۱۶ مقاله با مدیریت دکتر سید سعید زاهد زاهدانی و با محوریت دانشگاه شیراز.
- البته در سال‌های گذشته مجموعه مقالات کنگره اول در قالب ۵ جلد (۹۰ مقاله)، مجموعه مقالات کنگره دوم در قالب ۷ جلد (۱۱۱ مقاله) و مجموعه مقالات کنگره سوم در قالب ۶ جلد (۹۷ مقاله) منتشر شده بود.
- ... به نظر می‌رسد سنت الهی در این‌گونه امور بر آن است که استمرار، نتیجه‌بخش خواهد بود و ما به شرط تداوم توفیق الهی در پیگیری این راه تردید نخواهیم کرد و بر همین اساس همچنان چشم در راه مدد همه اساتید و پژوهشگران خواهیم بود.

بمنه و کرمه
عطاالله رفیعی آتانی
دبیر علمی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

اسامی هیئت داوران

کمیسیون «تعلیم و تربیت اسلامی»
رئیس کمیسیون: دکتر محسن فرمهینی فراهانی

اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- طیه توسلی: استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم
- نیره حاجی علیان: دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران
- دکتر سیدعلی حسینی زاده: دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- مجید دارابی: دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه تهران
- محمد داودی: دانشیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- محسن دیبایی صابر: استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- اکبر رهنما: دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- سید مهدی سجادی: استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس
- علی رضا صادق زاده قمصری: استاد دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس
- محسن فرمهینی فراهانی: دانشیار علوم تربیتی دانشگاه شاهد
- علی نقی فقیهی: دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم
- مصطفی مرادی: دانشجوی دکتری دانشگاه تهران
- حسن ملکی: استاد مدیریت و برنامه ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبائی
- محمد حسن میرزاحمدی: دانشیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد
- سولماز نورآبادی: استادیار علوم تربیتی دانشگاه شاهد
- نجمه وکیلی: استادیار دانشکده علوم تربیتی و مشاوره دانشگاه آزاد واحد رودهن

چالش‌های فراروی تربیت اسلامی در مواجهه با فضای مجازی

اکبر رهنما

دانشیار دانشگاه شاهد، ایران، تهران

Rahnama_akbar43@yahoo.com

چکیده

امروزه بررسی نسبت تربیت دینی (اسلامی) با فضای مجازی از ضرورت‌های جامعه اسلامی است و خود می‌تواند گامی در مسیر گسترش علوم انسانی اسلامی باشد. لذا در این مقاله به طرح و تبیین چالش‌های عمده تربیت اسلامی در مواجهه با فضای مجازی پرداخته شده است. روش تحقیق از نوع تحلیل مفهومی (از نوع تفسیر مفهوم) است که طی آن مفهوم‌های تربیت دینی، فضای مجازی، دین مجازی و چالش‌های ناشی از تقابل این دو قلمرو با استفاده از ابزار فیش مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه‌گیری پایانی پنج چالش عمده «ساخت‌زدایی»، «تکثر دینی»، «شبیخ‌وارگی»، «هویت‌زدایی و گسست‌آفرینی» و نهایتاً «شگفتی‌زدایی و رازگشایی»، احصا شد و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. **کلیدواژگان:** چالش، تربیت اسلامی، فضای مجازی، مواجهه.

مقدمه

ورود آدمی به «عالم مجاز»^۱ و گسترش قلمرو «واقعیت مجازی»^۲ در روزگار کنونی بیم و امیدهایی را موجب شده است. مجاز در اصل به واقعیت صورت و شکل تازه‌ای داده و رونوشتی از اصل یک پدیده را به نحوی ارائه می‌دهد که مدعی است به نوعی بازسازی واقعیت پرداخته است. امروزه اشکال و جلوه‌های مواجهه با فضای مجازی گسترش فوق‌العاده‌ای یافته است؛ به گونه‌ای که فضای سایبری روزبه‌روز در حال توسعه است و اکنون رسانه و دنیای دیجیتال در اندیشه ایجاد «زیست مجازی»^۳ برآمده‌اند. به هر ترتیب امروزه تصاویر و تولیدات مجازی سوار بر امواج نامرئی، تلقی ما از واقعیت را به چالش جدی کشیده‌اند. به عبارتی «شبح‌وارگی»^۴ حاکم بر رسانه‌های مجازی خود شکل تازه‌ای از واقعیت را پدید آورده است که به تعبیر بودریار^۵ می‌توان آن را «واقعیت- مجازی» نامید؛ تا جایی که این نوع واقعیت رسانه‌ای در دنیای امروز اهمیت بیشتری از واقعیت خارجی یافته است. نگاه به واقعیت از این منظر صرفاً یک «نشانه»^۶ است. به تعبیری همه چیزها و تصویرها، همانند دنیای خارجی وجود دارند و هر یک به دیگری ارجاع داده می‌شوند؛ لیکن واقعیت مذکور سرچشمه واحد و خاستگاه نابی ندارد (گرام،^۷ به نقل از پورحسین، ۱۳۹۶: ص ۲۸). برخی مؤلفان از جمله (لاکی^۸ به نقل از پورحسین، ۱۳۹۶ ص ۲۹). معتقدند که تفاوت واقعیت مجازی با واقعیت حقیقی به قطعیتی نیست که ما می‌خواهیم باشد و جهان واقعی فقط یکی از جهان‌های موازی ممکن است. دریدا^۹ واقعیت‌های تولیدشده توسط رسانه‌ها را نمونه‌ای از این دنیای موازی می‌داند. به عبارتی واقعیت مجازی تولیدشده توسط رسانه‌ها با اینکه نامش واقعیت مجازی است، ولی این بدان معنا نیست که در مقابل واقعیت حقیقی مطرح گردد.

1. Virtual world
2. Virtual reality
3. Bio virtual
4. ghostliness
5. Baudrillard
6. sign
7. Gramm
8. Lucy
9. Derrida

بدین ترتیب امر حقیقی و امر مجازی در دو نقطه مقابل یکدیگر می‌نشینند. امر مجازی در نتیجه اطلاعات و دانش رسانه‌ای حاصل می‌شود که با منطق و توجیه‌پذیری خاص خود در حال تولید دانش است. خودمداری و قائم به ذات بودن رسانه (نظریه‌ای که تحت تأثیر تفکر هایدگر درباره فناوری و اهمیت بنیادین پرسش از ماهیت آن در تقابل با رویکرد سنتی ابزارمدارانه پدید آمد) در صورتی قابل طرح است که رسانه را واجد «ذات» و متکی به خویش بدانیم؛ به گونه‌ای که گویا قدرت برساختن و تغییر معنا و مفهوم‌ها را در دنیای واقعی دارد.

برخی دیگر از مؤلفان از جمله چالمرز (۱۳۷۹) که در زمینه فلسفه ذهن آثاری بر جای گذاشته، فضای مجازی را «ذهن امتدادیافته» نامیده‌اند. منظور وی آن است که استفاده از فضای مجازی و انجام فعالیت در قلمرو آن، به تدریج نفس را به گستره فضای مجازی بسط می‌دهد و موجب توسعه ذهن می‌گردد و هویت فرد را می‌گسترده.

سرانجام آنکه مؤلفان دیگری از جمله چاردیویس^۱ (۱۹۹۹)، هنرمند و فیلسوف معاصر اهل کانادا که درباره واقعیت مجازی فلسفه‌ورزی می‌کند، معتقد است هم‌کنشی هنر، علم و فناوری منجر به آفرینش «واقعیت مجازی»^۲ شده است. وی تجربه انسان در فضای مجازی را با اصطلاح «اوسموز»^۳ توصیف می‌کند که نام یکی از مهم‌ترین آثار اوست. منظور از اوسموز، احساس جذب و فرورفتن در قلمرویی است که بر اثر آن تمایز «سوژه» و «ابژه» از میان می‌رود و حتی بعضاً حالت‌رهایی یا فقدان زمان و مکان به انسان دست می‌دهد.

اما در حوزه «تربیت اسلامی»، در متون دیرینه دینی می‌توان به نوعی تقابل حقیقت با مجاز اشاره کرد. برای نمونه نحوه مواجهه حضرت موسی علیه السلام با سحر و جادوی فرعون و سامری از بنی اسرائیل می‌تواند نشانی از تقابل حقیقت با «شیخ» یا مجاز باشد.

از طرفی در عرصه عرفان و هنر اسلامی که اساساً تکیه بر عنصر خیال و تخیل دارد، مجاز نقطه مقابل حقیقت نیست، بلکه مرتبه‌ای از مراتب هستی و حقیقت است؛ مثلاً در قاعده «تناظر» که در آن «عالم محسوس» به عنوان مجاز و «عالم معقول» به مثابه حقیقت تلقی می‌گردد. در اینجا مجاز نقطه مقابل حقیقت نیست و بلکه به صورت متناظر با آن در قالب جلوه و نسخه محسوس عالم معقول به شمار می‌رود.

1. Chardavies
2. cirtual reality
3. Osmose

به عبارتی در عرصه حکمت، عرفان، هنر و تربیت اسلامی، مجاز معنایی بس فراخ‌تر و گسترده‌تر می‌یابد و این گستردگی مفهوم و گشودگی معنا، اجازه می‌دهد که لایه‌های باطنی حقیقت جهان و هستی به منصفه ظهور برسند. عالم خیال که در دیدگاه اسلامی از آن به عنوان «عالم مثال» یاد می‌شود، تکیه اساسی بر قوه متخیله انسان دارد که قادر است در تصور آدمی جهانی تازه در روح و جان فرد برانگیزاند.

نمونه دیگر مواجهه «فارابی» مؤسس فلسفه اسلامی با ترجمه واژه «ممسیس»^۱ یونانی است. وی این واژه را چنان‌که پیشینیان می‌پنداشتند، به معنای محاکات، تقلید یا بازنمود چیز دیگری تلقی نمی‌کرد؛ در مقابل آن از قوه خیال یا تخیل که بن‌مایه ادراک عالم مثال است بهره می‌برد. بدین‌سان از نظر فارابی واژه ممسیس یونانی بیشتر قابل ترجمه به عالم مثال در منظر اسلامی است. این خیال در قاموس عرفا و حکمای اسلامی، نردبان بلند ادراک مراتب باطنی عالم است که همانا حقیقت عالم است نه مجازی از حقیقت و واقعیت. نمونه مشخص آن در قلمرو معماری اسلامی مشاهده می‌گردد که در آن هنرمند با الهام از عالم معقول در اثر معماری خود، آمیزه‌ای از عرفان، فلسفه و هنر را عرضه می‌کند. به تعبیری معماران مسلمان، بسیار کوشیده‌اند تا بتوانند مظاهری از آیة‌های جمال و جلال الهی را در لابه‌لای آثار هنری خود به نمایش بگذارند.

۱. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات نظری است. روش‌های تحقیق به کار رفته شامل تحلیل اسنادی و تحلیل مفهومی می‌باشد. در قسمت تحلیل اسنادی که با استفاده از ابزار فیش به انجام رسید، عنوان‌ها و موضوعات مرتبط با فضای مجازی و تربیت اسلامی گردآوری و دسته‌بندی شدند. در بخش تحلیل مفهوم از روش تحقیق ارزیابی ساختار مفهومی استفاده گردید. به عبارتی با استفاده از منابع دست اول و دوم در خصوص دو مفهوم اصلی تربیت اسلامی و فضای مجازی، ابتدا به ارزیابی ساختارهای مفهومی متعارف در این دو حوزه مطالعاتی پرداخته شد و سپس با استفاده از روش تفسیر مفهوم به تحلیل و بازسازی دو مفهوم یادشده مبادرت گردید.

۲. مفهوم مجاز در تعابیر اسلامی

تلقی اساسی از فضای مجازی در نگاه اسلامی، آن است که فضای مجازی، عالمی میان عالم

1. Memesis

عینی و عالم خیال است. در این تعبیر، عالم خیال متصل، عالمی فردی است که به کمک فضای مجازی، امکان تحقق بین‌الذهانی یافته است؛ بدین معنا که انسان‌ها قادرند «تخیل» و «تصور» دیگر انسان‌ها را در این فضا مشاهده کنند.

تعبیر دیگر از فضای مجازی که مکمل تلقی بالاست، فضای مجازی را «ایجاد خیال منفصل» انسانی می‌داند. در این منظر فضای مجازی از بسیاری جنبه‌ها به عالم خیال منفصل (بر اساس آموزه‌های فلسفه اشراق، حکمت متعالیه و عرفان اسلامی) شباهت دارد. گویی آدمی توانسته خیال متصل و درونی خویش را به برون بسط دهد و به آن لباس واقعیت بخشد. به عبارتی از این دیدگاه تصاویر مربوط به «تمثیل خط افلاطونی» و سایه‌های روی دیوار غار افلاطونی، بی‌محابا برون افکنده شده و به جهان محسوس قدم گذارده است. بر مبنای این تلقی از واقعیت مجازی، در آینده و در نگاه آیندگان، مضاعف شدن واقعیت محسوس، آن اندازه طبیعی جلوه خواهد کرد که جهان واقع را دارای دو مرتبه موازی از واقعیت خواهند دانست.

بدین سان «اجتماع مجازی» نه به معنای تصویری از واقعیت، بلکه خود گونه دیگری از واقعیت و دارای هویت واقعی است. در این معنا، مجازی، صورت، ظاهر یا نمایی از چیز دیگری نیست؛ بلکه جای‌گزین یا تبدیلی است بر واقعیت حقیقی که ذاتاً موجودیت دارد، چنان‌که بتوان شکل مشخص از واقعیت را بدان نسبت داد.

به تعبیری از آنجاکه بنیاد واقعیت مجازی بر ارقام و صور متکی است، این ساحت از هستی همچون عالم مثال در تعبیر اسلامی - عالمی است فاقد تعین مادی و فارغ از قید زمان و مکان؛ هرچند که آثار و خواص وجودی ماده از قبیل شکل، رنگ، بعد و وضع در آن یافت می‌شود.

در دیدگاه فلسفه صدرایی آنچه در فضای مجازی پدیدار می‌شود، چیزی نیست جز مظاهر و تجلیات وجود اصیل که تنها در مراتب شدت و ضعف با یکدیگر تفاوت دارند، نه در اصل وجود. بنابراین فضای مجازی از این دیدگاه، جلوه‌ای از جلوه‌های وجود بوده، از نوعی واقعیت وجودی برخوردار است. حرکت جوهری صدرا، بیش از هر چیز با گوهر و چیستی فضای مجازی در تناسب و تلائم است.

از دیدگاه شیخ شهاب‌الدین سهروردی، عالم مثال همانا عالم «خیال منفصل» است که میان موجودات مادی و مجردات محض قرار گرفته است. در این تعبیر عالم مثال حد واسط میان عالم وجودات محض نورانی و عالم محسوس است و عضوی که به ادراک آن دست می‌یابد، «خیال فعال» است. به عبارتی عالم صور معلقه است که دارای مظاهری است که همچون صورتی معلق

در آینه، امور در آن ظاهر می‌شوند. در این عالم که بی‌شبهت به عالم مجاز نیست، همه غنا و تنوع جهان محسوس را می‌توان به حالت لطیف بازیافت.

بدین‌سان عالم مجازی در دنیای معاصر، به صورت حقیقت‌واره نمادین درآمده است که از فضای سایبر برآمده و با ویژگی‌های بدیع خود در کنار عوالم دیگر و به موازات عالم واقعی، خود را در عرصه هستی‌شناسی نمایان ساخته است. عدم محدودیت زمانی و مکانی آن را از عالم حسی متمایز کرده و آن را ورای عالم محسوسات قرار داده است. با این همه، این عالم به مثابه آینه عالم حقیقی عمل می‌کند؛ گویی این عالم نیز محصول و برآمده از «خیال فعال» یا «منفصل» است.

۳. نسبت دین و دین‌داری با فضای مجازی

در بررسی نسبت دین و دین‌داری با فضای مجازی، از آن جهت که دین در جامعیت خود دارای وجوه و ابعاد عینی (واقعی) و ذهنی (مجازی) است، می‌توان ادعا کرد که نگاه مجازی به امر دینی، قدمتی به درازای تاریخ دارد؛ لیکن در عصر حاضر، واقعیت مجازی شدن دین و دین‌داری، پدیده‌ای است نو که با درهم‌آمیختگی توانایی‌های رایانه‌ای با امور دینی، صورت پیچیده‌ای به خود گرفته است. در این طرز تلقی نوین، تلاش بر آن است که احساسات و باورهای دینی، اعم از اعتقادات، احکام و شعائر و همچنین اخلاق و تربیت، اندیشه‌های آزادی‌بخش دینی و مبارزات دینی، به فضای واقعیت مجازی انتقال داده شوند.

ماکسول^۱ (۲۰۰۲، ص ۳۴۳) وجه اشتراک دین و فضای مجازی را در فرامادی و فرافضا بودن هر دو می‌داند. به تعبیری این هر دو به جهان‌نگری دیگری تعلق دارند. با این نگاه فضای مجازی با تمام ابعاد و توان‌های بالقوه و بالفعل خود، خود یک دین و نگره دینی است که مقدس بودن و فرامکان بودن آن را یادآور می‌شود و به نوعی به بازسازی یا شبیه‌سازی فضای دینی در فضای مجازی تأکید می‌ورزد (عاملی، ۱۳۸۴).

از طرفی رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات، بستری بی‌نظیر فراهم کرده است که در قالب آن دین‌پژوهی و معنویت‌طلبی بسیار آسان‌تر و مطلوب‌تر از گذشته شده است. اساس آمارها، از هر شش نفر کاربر اینترنت در جهان، دست‌کم یک نفر به دنبال اطلاعات معنوی و مذهبی است و میزان دین‌پژوهی در اینترنت بین ۲۵٪ تا ۳۰٪ کل کاوش‌های اینترنتی را دربرمی‌گیرد.

به‌علاوه ویژگی‌های جهان امروز از جمله درهم‌تنیدگی فضای مجازی و قلمرو حقیقی زندگی

1. Hyper- space

افراد سبب شده است که امر مهم ترویج ارزش‌های فرهنگی و معارف دینی، بدون شناخت کامل از مؤلفه‌ها، تهدیدها و فرصت‌های فضای مجازی، ناممکن گردد. بدون تردید امروزه گستردگی ابعاد تأثیرگذار فضای مجازی در تمام حوزه‌های زندگی، قلمروهای فرهنگی، مذهبی، عقیدتی و تربیتی را نیز متأثر ساخته است.

به عبارتی قلمرو فضای مجازی، به دلیل فرصت‌ها و تهدیدهای ذاتی خود قلمروی است که دین باید در آن حضور فعال و جدی داشته باشد؛ به‌ویژه دین اسلام که صاحب شریعت عظیمی است و برای تمام ابعاد زندگی بشر برنامه دارد. بنابراین فضای مجازی واجد نوعی حقیقت است و چنان گسترده شده که در حال حاضر ما را وارد فضای دوم زندگی کرده و اگر طرح و برنامه‌ای برایش نداشته باشیم، از نظر دین‌ورزی و تربیت دینی در مقابل امواج ترویج ارزش‌های ضد دینی عملاً خلع سلاح خواهیم شد.

مسائلی از قبیل تکثرگرایی مجازی، مرجعیت دینی، کثرت‌گرایی دینی، فرقه‌گرایی و گسترش تروریسم جهانی، مسائلی هستند که باید به هر یک با نگاه درون‌دینی و برون‌دینی در فضای مجازی پرداخت.

از سوی دیگر، از اوایل دهه هشتاد میلادی، مبحثی با عنوان دین مجازی یا دین دیجیتال مطرح شد؛ به‌ویژه در اواسط دهه نود میلادی، زمانی که مرورگرهای «وب» ابداع شدند، کلیساها و اجتماعات مسیحی، در پی ایجاد وب سایت‌هایی برای انتقال و بیان باورها و اعمال مذهبی خود برآمدند (گلفگرن، ۲۰۱۳). بدین‌سان گویی شکل جدیدی از دین‌ورزی و دین‌داری در حال شکل‌گیری بود. در سال ۲۰۰۰ میلادی پژوهشگران به این مسئله توجه کردند که افرادی که در این فضا سیر می‌کنند، به چه ابعادی از دین‌ورزی توجه می‌نمایند، و در سال‌های اخیر، رویکرد آن است که چه ارتباطی می‌تواند بین دین‌ورزی آنلاین و آفلاین برقرار شود.

از آنجاکه مجاز به نوعی ارتباط با عالم غیرمادی است و دین نیز منعکس‌کننده ارتباطی با عالم فوق مادی است و به عبارتی دین‌گذری است از جهان عینی (فیزیکی) به جهان ذهنی (متافیزیکی)، در واقع می‌توان گفت که فضای مجازی و دین از این حیث هر دو به سطوح دیگر واقعیت جهان نظر دارند و در جاهایی می‌توانند با تلائم افق‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی در جهت روشنگری و تعامل با یکدیگر، در تحقق برخی اهداف دین‌ورزی مشارکت کنند. البته به دین مجازی و مجازی شدن ساحت‌های دین‌ورزی انتقاداتی وارد است که در ادامه مقاله بدان خواهیم پرداخت.

۴. تربیت اسلامی و نسبت آن با فضای مجازی

تعلیم و تربیت اسلامی، ناظر به نظامی از اندیشه است که مستقیم یا غیر مستقیم از متون دینی اسلام سرچشمه گرفته و حاوی شناختی نسبت به پدیده‌ها و روابط موجود در حوزه علمی تعلیم و تربیت، صورت‌های مطلوب آنها و نحوه ایجاد تغییر در آنهاست (باقری، ۱۳۸۴، ص ۸۴). برخی مؤلفان نیز در اشاره به مفهوم تعلیم و تربیت اسلامی از سه تلقی اساسی از آن به ترتیب زیر یاد می‌کنند:

الف) تعلیم و تربیت اسلامی به منزله نظام توصیفی؛

ب) تعلیم و تربیت اسلامی به منزله نظام استنباطی (رابطه استغنا و غربت)؛

ج) تعلیم و تربیت اسلامی به منزله نظام تأسیسی (رقابت الگویی).

۴-۱. چالش‌های تربیت اسلامی در مواجهه با فضای مجازی

در بررسی نسبت تعلیم و تربیت اسلامی و فضای مجازی می‌توان گفت که ما با چالش‌هایی روبه‌رو هستیم که نوعی تهدید برای تربیت اسلامی به شمار می‌آیند و از طرفی با چشم‌اندازهای مثبتی مواجهیم که می‌توان از آنها به عنوان فرصت برای تربیت اسلامی یاد کرد. در این بخش ابتدا به چالش‌های عمده مواجهه تربیت اسلامی با فضای مجازی می‌پردازیم و سپس چشم‌اندازها و بهره‌هایی که تربیت اسلامی از فضای مجازی می‌تواند به عمل آورد مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۴-۱-۱. ساخت‌زدایی^۱

در پرتو انقلاب اطلاعاتی و ارتباطاتی در عصر حاضر، ظهور خصیصه ساخت‌زدایی در فضای مجازی است:

حاصل این ساخت‌زدایی آن است که واقعیت‌ها و نیز مفاهیم متقابل، تقابل خود را از دست می‌دهند. از جمله این ساختارهای واقعی و مفهومی متقابل که برای تربیت دینی و اخلاقی نیز اهمیت داشته‌اند، می‌توان از ساختارهای «دور / نزدیک» و نیز «ممنوع / مجاز» نام برد (باقری، ۱۳۸۴، ص ۵۹).

ساختار شکنی از مرزها و حصاربندی‌های تربیت اسلامی با گسترش روزافزون شبکه‌های ارتباطی رایانه‌ای، به مراتب قاطع‌تر است و از ضریب تأثیرگذاری بالایی برخوردار شده است.

1. deconstruction

به‌ویژه در حوزه تربیت دینی و اخلاقی که بسیار مورد تأکید دین اسلام است، تعیین حد و مرز و مأنوس کردن متریبان با این حد و مرزها در تربیت اسلامی، بایدها و نبایدهایی را به دنبال دارد که همانا از نظر شریعت اسلام با عنوان «واجب» و «حرام» از آنها یاد می‌شود.

اکنون این پرسش مطرح است که با نظر به ویژگی ساخت‌زدایی فضای مجازی، تربیت دینی و اخلاقی در چارچوب جهان‌بینی اسلامی چگونه امکان‌پذیر است؟ پیداست که با برداشت قرنطینه‌ای از تربیت اسلامی (دینی) که بر پایه دور نگاه داشتن متریبان از محیط‌های نامطلوب و قرار دادن آنها در محدوده امور مجاز است، نمی‌توان در این مسیر موفق بود؛ مگر اینکه طرحی نو در انداخته شود و برداشت سنتی از تربیت اسلامی ضمن حفظ هویت اصیل الهی آن با نظر دقیق و حکیمانه‌ای به مفهوم تربیت اسلامی بتواند افقی جدید را فراروی تربیت اسلامی قرار دهد. مواجهه معقول با ویژگی ساخت‌زدایی فضای مجازی و دیگر چالش‌ها، موضوع تحقیق دیگری است که باید بدان پرداخته شود.

۲-۱-۴. تکثرگرایی دینی^۱

به طور کلی «پلورالیسم»^۲ یا تکثرگرایی، متضمن سه مدعای اساسی است:

۱. در عالم واقع تنوع و تکثری بالفعل وجود دارد؛

۲. این تنوع و تکثر را نمی‌توان به وحدتی فروکاست؛

۳. این تنوع و تکثر عقلاً مجاز است و لذا باید آن را به رسمیت شناخت.

به‌علاوه بحث درباره «تکثرگرایی دینی» دست‌کم در سه سطح مطرح می‌شود: تجربه دینی،

اعتقادات دینی و اعمال و مناسک دینی (رضایی، ۱۳۸۶، ص ۱۱).

از میان فلاسفه دین، بدون شک «جان هیک»^۳ مطرح‌ترین فیلسوف دین معاصر است. وی با

تأثیرپذیری از اندیشه‌های فلسفی کانت، تلاش دارد تا از طریق ایده کثرت‌گرایی دینی، مبنایی برای

گفت‌وگو و هم‌زیستی ادیان پی‌ریزی کند.

فرضیه کثرت‌گرایی جان هیک برخاسته از دیدگاه واقع‌گرایی انتقادی اوست. این فرضیه بر چهار

اصل استوار است:

1. religious pluralism

2. Pluralism

3. Jan Heikes

۱. همه انسان‌ها ذاتاً دینی هستند؛
۲. باورهای دینی متنوع و گوناگون می‌باشند؛
۳. اعتقادات دینی وهمی و خیالی نیستند؛
۴. همه سنت‌های دینی داعیه تغییر مثبت در زندگانی پیروانشان را دارند (هیچ‌کس به نقل از: طریقی، ۱۳۸۶، ص ۱۵).

به نظر وی کثرت‌گرایی دینی تسهیل‌کننده امر گفت‌وگویی میان ادیان است. به طور خلاصه درک و دریافت هیچ‌کس از کثرت‌گرایی دینی، بدین معناست که سنت‌های دینی بزرگ جهانی که از درون رویه‌های فرهنگی مختلف سر برآورده‌اند، در بردارنده ادراکات ما درباره «حقیقت غایی» هستند و در درون هر یک از آنها تحول بشر از «خودمحوری» به سوی «حقیقت‌محوری» صورت می‌پذیرد. بدین‌سان تفاوت‌ها و تعارض‌های ادیان از گونه‌ای نیست که مانع هم‌زیستی و گفت‌وگویی ادیان شود، بلکه اگر بپذیریم که حقیقت غایی یا به تعبیر هیچ‌کس «امر واقع در خود» فراسوی دسترس سخن و ذهن هر یک از ماست، بدین طریق می‌توان به گفت‌وگویی سازنده و مفید در میان سنت‌های دینی مختلف اندیشید.

به طور کلی کثرت‌گرایی دینی باور به این امر است که حقانیت و نجات در زندگی، حق انحصاری هیچ‌کس نیست؛ همان‌گونه که عارف بزرگ رومی، مولانا با تعبیری شاعرانه درباره ادیان جهان می‌گوید: چراغ‌ها متفاوت است، اما نور یکی است و آن نور از فراسوی می‌آید (هیچ‌کس، به نقل از سعادت‌مند، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

دلیل اصلی اهمیت مبحث کثرت و کثرت‌گرایی، غلبه بر کلی‌نگری در دوران مدرن است که مانع برپایی جامعه مدنی است و خود می‌تواند سرمنشأ انواع مختلف سلطه‌گری باشد: «کثرت‌گرایی به صورت راه‌حلی برای کنار گذاشتن کلی‌نگری و پیامدهای استیلاجویانه آن، وارد میدان شده است» (باقری، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳). به ترتیبی که کثرت‌گرایی، تفاوت‌ها را اصل می‌شمرد و به رسمیت می‌شناسد و به تعبیر «لیوتار» کثرت را تنها می‌توان پذیرفت؛ نه می‌توان از آن گریخت و نه می‌توان آن را چاره کرد.

۳-۱-۴. شبح‌وارگی

شبح، چیزی است که هست؛ اما حضور ندارد. چیزی که سکون ندارد، حرکتش هم از جای

به جای دیگر نیست. ویژگی اساسی شبح «پرسه زدن» است و همچون یک ابر الکترونیک یا «اوربیتال» به ساختار حضور / غیاب تن نمی‌دهد. وجه تقابل شبح‌وارگی، ذات‌باوری است. شبح سعی دارد ذات خود را دور کند و به هوا بسپرد. به عبارتی تصویر که وجه بارز شبح است، مکان ندارد و مجازی است و در تقابل با فعلیت حاضر ذات و بالطبع در تقابل با واقعیت است. رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های تصویری پرزرق‌وبرق کنونی که شکل کاملاً مجازی به خود گرفته‌اند، ماهیت شبحی دارند. به عبارتی کارکرد رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های مدرن و مجازی، نوعی تقابل و حتی ضدیت با هر گونه ذات‌باوری است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان برای اموری که آنها به صحنه می‌آورند، ذاتی قائل شد. امروزه مفهوم تصویر و مجاز سوار بر امواج نامرئی، تلقی ما را از حقیقت به چالش کشیده است.

امروزه رسانه‌ها در انواع و اشکال مختلف خود، شکل نوینی از واقعیت را ایجاد کرده‌اند که به تعبیر بودریار، می‌توان آن را «واقعیت مجازی» نامید. این واقعیت رسانه‌ای در دنیای امروز، اهمیتی بیشتر از واقعیت خارجی پیدا کرده است. از منظر شبح‌وارگی، واقعیت صرفاً یک نشانه است. تمام چیزها و یا تصویرها، همانند آنچه در دنیای واقع روی می‌دهد، نمایان می‌شوند و هر یک به دیگری ارجاع داده می‌شود؛ لیکن سرچشمه واحد و خاستگاه نابی وجود ندارد (پورحسین، ۱۳۹۶).

به عبارتی چنان‌که برخی مؤلفان از جمله لاکسی (۲۰۱۰: ۱۵۲) نیز معتقدند، تفاوت میان واقعیت مجازی و واقعیت حقیقی به قطعیتی نیست که ما می‌خواهیم باشد و جهان واقعی فقط یکی از جهان‌های موازی ممکن است. دریدا به‌ویژه واقعیت‌های ساخته و پرداخته شده توسط رسانه‌ها را نمونه بارزی از این نوع واقعیت‌ها می‌داند. رسانه همانا واقعیت مجازی تولید می‌کند و این لفظ و معنای مجاز به معنای نسبی است که حقیقی و تأثیرگذار در زندگی واقعی نباشد. حتی می‌توان گفت که بر اثر توسعه و گسترش شبکه‌های ارتباطی شرایطی به وجود آمده است که تصویرها و تصورها، نه تنها نقطه مقابل واقعیت نیستند، بلکه به نوعی در امتداد و حتی در جهت واقعیت عمل می‌کنند.

فرهنگ مجازی جدید و نوپا که در جامعه جهانی معاصر پا گرفته است، با تکیه بر حقیقت شبح‌گونه خود ماهیتی کاملاً سیال دارد و خود را از قید تعریف رها می‌سازد؛ زیرا برخوردار از خصلت نفی اقتدار مرکزی ناشی از وجود ذاتی اشیا و امور است و این به نوبه خود انسان و هویت انسان را به تبع هویت جهان، چندپاره و گسیخته می‌کند که در مبحث گسست‌آفرینی یا هویت‌زدایی به آن می‌پردازیم.

۴-۱-۴. هویت‌زدایی و گسست‌آفرینی

سیالیت و چندپارگی هویت‌ها به‌ویژه هویت انسانی و گسست‌آفرینی در تمامیت وجودی انسان، چالش دیگری است که تربیت اسلامی در مواجهه با فضای مجازی با آن روبه‌روست؛ به‌ویژه اگر در نظر داشته باشیم که «هویت» ثابت و اصیل الهی در اسلام مورد تأکید است که همانا هویت ابراهیمی و خط یکتاپرستی و حنیفیت می‌باشد.

به عبارتی، فضای مجازی با «ابژه» ساختن ما، به عنوان قطعاتی از پازل فضای مجازی، از خودبیگانگی وجودی را به ارمغان آورده است. به تعبیری حضور جدی و مدام انسان‌ها در این زیست‌بوم جدید، هویت جدیدی از انسان ارائه می‌کند؛ به گونه‌ای که قادر است او را از هویت حقیقی الهی‌اش دور کند. فضای مجازی از این منظر، می‌تواند زمینه‌های مسخ و الینه شدن انسان از خود و حتی تنزل هویت و ماهیت انسانی وی به مراتب پایین هستی را فراهم آورد.

فضای سایبری، در حال خلق فرهنگ و هویتی فارغ از نژاد، فرهنگ و دین کاربران عمل می‌کند. این نگاه هویت فردی و جمعی انسان‌ها را به نوعی در معرض تهدید قرار داده است. از منظر فلسفه‌های هستی نیز می‌توان توده‌ای شدن هویت و غفلت انسان از خویش را یکی از مهم‌ترین آثار منفی شبکه‌های مجازی و توسعه فناوری اطلاعات دانست.

هایدگر فیلسوف هستی‌گرا که به نقادی فناوری نظر دارد، در باب فضای سایبری، علم «سایبرنتیک» را حالتی ارتقایافته از تلقی انسان به مثابه حیوان ناطق می‌داند. نطق مورد نظر وی، صرفاً یک قوه فرضی است که از پرداختن به وجود غفلت دارد و توسط «ماشین زبان»^۱ که کارش صرفاً پردازش اطلاعات است به پیش می‌رود و این ماشین زبان به راحتی می‌تواند و توانسته است به جای قوه ناطقه انسان بنشیند. با این تلقی، زبان تماماً وسیله کنترل و ابزاری برای پیشبرد ماست که می‌تواند ما را از خواب غفلت وجودی ناشی از سایه فناوری رها سازد.

بودریار در همین راستا، بر آن است که «ایماژهای رسانه‌ای» در جامعه سبب شده است که درک ما از آنچه واقعی است، تحلیل رود و تنزل یابد. فرهنگ حاصل از عنصر «فراواقعیت» حالتی است که به واسطه وانمودگی نشانه‌ها، همگی نسخه بدل‌های بدون اصل هستند، و در نتیجه آن تمایز میان واقعی و خیالی و سطح و عمق از میان می‌رود و تأثیر سوء آن بر هویت حقیقی انسان آشکار است. در تعبیر دیگری بودریار از تأثیر فضای مجازی بر روی هویت وجودی انسان می‌توان

به فرازی از گفته‌های وی استناد کرد. وی می‌گوید: «اکنون به جای اینکه همانند لایب‌نیتس پیرسیم که موجودات چرا هستند، و چرا عالم را عدم وجود دربرنگرفته است، باید پیرسیم، چرا هیچ چیز نیست و همه چیز سراسر رنگ نیستی به خود گرفته است». عجیب تر از آن اینکه بودریار این عدم وجود را واقعیتی تحقق یافته می‌داند که صورت غالب فلسفه حاکم بر جهان مجازی امروزی است.

۵-۱-۴. شگفتی زدایی و رازگشایی

یکی از ویژگی‌های فضای مجازی راززدایی از امور، به‌ویژه امور ماوراءالطبیعی و ذاتاً معنوی است. در دنیای مجازی امور هر اندازه هم که تازه و شگفت آور باشند، به‌سرعت به امری کهنه و تکراری بدل می‌شوند. اگر هم‌نوا با سقراط و افلاطون سرآغاز فلسفه را حیرت بدانیم، باید اذعان کرد که فضای مجازی موجب شده که ما در امر زیبا، جنبه شگفت‌آوری نبینیم و در نتیجه زیبایی، هنر، معنویت و فضیلت‌های اخلاقی دیگر نتوانند در ما تأمل‌انگیز باشند و تمام این امور به جای امر تأملی به امر حسی بدل شوند. گویی امور فوق‌به‌ویژه زیبایی‌ها و امور دور از دسترس تفکر بشری، که روزگاری در سایه نگرش مسلط دینی، امری نادر، افسون‌زده و درخور تأمل بودند، اکنون به امری دم‌دستی تبدیل گشته و سکه رایج در روابط میان آدمیان در فضای مجازی شده‌اند.

بدین‌سان نگاه شگفتی‌زدا و غیرحیرت‌آور به هنر و معماری نیز سرایت کرده است و این نگاه هنر دینی را که خود حامل معنویت و نشانی از عالم غیب بود، به صورت‌های زمینی آن تبدیل کرده است. به عبارتی در سایه فضای مجازی، نوعی تغییر و تبدل جوهری از ایده آرمان‌شهری - که در تلقی یک متأله همانا بهشت است - به صورت مادی و زمینی آن شاهد هستیم. این تبدل و تبدل بهشت و رضایت الهی را که ماهیتی کاملاً معنوی دارد و همچنین مقام قرب ربوبی در تربیت اسلامی را به امری زمینی که بر اصل سودمندی، انتفاع و احساس رضایت و آرامش شخصی است تنزل می‌دهد.

سطحی شدن باورهای دینی، و سکولاریزه شدن معنویت‌های اصیل دینی نیز از ویژگی‌های منفی فضای مجازی است؛ که به نوبه خود آگاهی عمیق و باطن‌گرایی را به آگاهی سطحی و ظاهرگرایی مبدل کرده است. برای مثال در هایپرلینک مربوط به داستان سخن گفتن خداوند با موسی علیه السلام در وادی «طور»، تصاویر روسپی‌های اوکراینی نیز دیده می‌شود و این دو در یک رده قرار می‌گیرند. نوعی موضع بی‌طرفی و خنثا بودن که تمام تفاوت‌های مرتبتی و ارزشی را یک‌سان تلقی می‌کند.

کی پرکگور در اشاره به چنین وضعیتی، گفته است: «زمانی که تفکر بی‌طرف و خنثا همه تفاوت‌های کیفی را هم‌سطح می‌کند، به بی‌ارزشی ارزش‌ها کمک می‌کند و نتیجه‌اش می‌شود همان نیهیلیسم یا تهی شدن ارزش از محتوی ارزشی خود» (هانسون، ۲۰۱۷، ص ۲۴۵).

به عبارتی به کمک «هایپرلینک»ها، تفاوت‌های بامعنا، همسان و همسطح شده‌اند و فقدان معنا و راز و رمز که از ویژگی‌های تفکر دینی به‌ویژه دین اسلام است، یکی از رهاوردهای اصلی یک‌سان‌سازی همه مراتب ارزشی است که موضوع «سلسله‌مراتب ارزش‌ها» و رجحان و برتری یکی بر دیگری را نفی می‌کند و همه ارزش‌ها را -ارزش‌های الهی و انسانی- در یک ردیف قرار می‌دهد.

در چنین فضایی، عدم قبول مسئولیت و تعهد در قبال عمل در حوزه ارزش‌ها، به شدت نوعی تهی بودن و فقدان معنا را در زندگی دامن می‌زند و به قول کی پرکگور «زندگانی را به شاهکاری غیرواقعی و فاقد روح و حقیقت را به نمایش تبدیل می‌کند» (همان، ص ۲۴۷).

۲-۴. نقش تعامل بهینه فضای مجازی و تربیت اسلامی در بسط دیدگاه‌های علوم انسانی اسلامی

با توجه به اینکه گفتمان غالب جهانی امروزه با ورود بشر به ساحت فضای سایبری تعیین می‌شود، لاجرم باید دیدگاه‌های مربوط به علوم انسانی اسلامی به‌ویژه در قلمرو تعلیم و تربیت اسلامی و نوع تعامل آن با فضای مجازی مورد بررسی و مذاقه بیشتر قرار گیرد.

بدین سان اگر این نکته پذیرفته شود که فناوری به عنوان یک زیست‌بوم قادر است به دلیل ارزش خنثا نبودن ذات فناوری، فرهنگ خاص خود را انتقال دهد، پس لازم است در قبال فناوری‌های فضای مجازی سنجیده‌تر و عالمانه‌تر موضع‌گیری شود. با اینکه فضای مجازی موجب تبدیل امور تأملی به امور حسسی شده و به سکولاریزه شدن معنویات انجامیده است، از باطن‌گرایی کاسته و ظاهرگرایی را بر صدر نشانده، علی‌رغم آن با توجه به جهان‌بینی وسیع و عمیق اسلامی، اسلام و تربیت اسلامی از چنان ظرفیتی برخوردار است که در تعاملی سازنده با دنیای مجازی قرار گیرد.

در این راستا به‌ویژه استفاده از ظرفیت دیدگاه جهان‌شناختی و انسان‌شناختی اسلامی در افقی که عالم خیال یا عالم مثال فرا روی ما می‌گشاید، و توجه به نحوه ارتباط عالم خیال با دو عالم حس و عقل و تلقی این سه عالم به عنوان سه ساحت وجودی جهان و انسان، می‌تواند تعامل پویای تربیت اسلامی با فضای مجازی را به نحوی سامان بخشد که موجب شکوفایی تمدن نوین اسلامی و بسط و توسعه علوم انسانی اسلامی گردد.

نتیجه‌گیری

امروزه فناوری‌های نوین و گسترش شبکه‌های مجازی در زوایای پنهان زندگانی فردی و اجتماعی، موجب ورود این پدیده‌ها در عرصه دین‌داری و دین‌ورزی شده است؛ پدیده‌ای تا حدی نوظهور و اجتناب‌ناپذیر که رویارویی حکیمانه و عالمانه‌ای را می‌طلبد. در نوشتار حاضر به چالش‌های عمده‌ای که تعلیم و تربیت اسلامی در مواجهه با فضای مجازی با آن روبه‌روست، پرداخته شد. چالش‌های ساخت‌زدایی، تکثرگرایی دینی، شبیح‌وارگی، هویت‌زدایی و گسست‌آفرینی، و شگفتی‌زدایی و راز‌گشایی به عنوان پنج چالش اساسی که تربیت اسلامی در عرصه مفهوم‌سازی و عمل‌تربیتی با آن روبه‌روست مورد مذاقه قرار گرفت. برای هر یک از این چالش‌ها می‌توان راه‌های برون‌رفت و مقابله حکیمانه‌ای را سراغ گرفت که پرداختن به آن مجال و مقال دیگری را می‌طلبد.

بدین‌سان ورود دین به فضای مجازی هم ما را دچار چالش می‌کند و هم چشم‌اندازی فراروی ما می‌گشاید که باید به آن نیز به نحو مقتضی پرداخته شود. دین و تربیت دینی، تاریخی به درازای حیات بشری دارد و در هر دوره با اتفاقاتی که بشر پشت‌سر گذاشته، روبه‌روست. نمونه‌ای از این وقایع، گسترش لجام‌گسیخته فضای مجازی در تمام عرصه‌های زندگی و رخنه آن در قلمرو آموزش و تربیت دینی است. در این میان اسلام همچنان هویت، ساختار، اهداف و یک‌پارچگی و انسجام خود را حفظ کرده است. بدین ترتیب تغییرات و تحولات زمانه، وقایع تاریخی، کیفیت ارتباطات انسانی در هر دوره که به مثابه گفتمان غالب در دوره‌ها و ازمنه مختلف است، در حکم عرضیات هستند که هیچ‌گاه نتوانسته‌اند جوهره دین را خدشه‌دار کنند و آسیبی ماهوی به دین اسلام وارد آورند.

برخورد عالمانه و حکیمانه متولیان و مربیان تعلیم و تربیت اسلامی با فضای مجازی، می‌تواند چالش‌های پیش‌گفته را به نحو مقتضی و موافق با موازین دینی خنثا کند و به دنبال آن، تهدیدهای ناشی از فضای مجازی را برای تربیت دینی به فرصت‌ها مبدل سازد.

منابع

۱. باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: انتشارات مدرسه.
۲. بنیاد حکمت اسلامی صدرا (۱۳۹۶). خلاصه مقالات منتخب فلسفه در مواجهه با فضای مجازی، بیست و یکمین همایش ملی حکیم ملاصدرا. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۳. عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۴). دین مجازی و دو فضای شدن محیط، همایش دین و رسانه. تهران.
۴. پور حسن، قاسم (۱۳۹۶). شیخ وارگی رسانه، خلاصه مقالات منتخب بیست و یکمین همایش ملی حکیم ملاصدرا. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا
5. Gelfgern, Stefan (2013). *Practicing Religion in the Age of the Media*. New York: Columbia University Press.
6. Jeffry Hanson (2017). *Kierkegaard and the life faith: the aesthetic, the ethical and the religious in fear and trembling*. Indiana university press, pp:245-247.